

## برهان "قاطع" و طرح کاریکاتوری دولت وحدت ملی!

### تعیین جایگاه اپوزسیون فرمایشی!!

پیوسته به گذشته قسمت سی و دوم:



محمد امین فروتن

**آورده اند** که امام ابو عبدالله محمد رازی، فقیه، متکلم، فیلسوف و حکیم مسلمان شرقی هر روز هنگام درس و بحث از تمامی مذاهب و فرق اسلامی سخن میگفت و از جمله به شیعه و "اسماعیلیه" که میرسید این مذهب و فرقه را مورد انتقاد و نکوهش قرار میداد، روزی یکی از فدریان اسماعیلیه که «دست به تیغ» شان شهره تاریخ است امام فخر رازی را در گوشه خلوت مسجد بر زمین کوفت و خنجر آبدیده بر گلوی فخر رازی گذاشت و در حالیکه گاه خنجر را برای تأکید بیشتر مطلب فشار میداد؛ گفت: شیخ ترا چه میشود؟ اگر پس از این کلامی از اسماعیلیه بر زبان آری با همین شیوه و مرضیه شاهرگ گردنت را قطع خواهیم کرد. شیخ از آن پس در جلسات درس از همه ادیان و مذاهب و فرقه ها می گفت به جز فرقه اسماعیلیه؛ که هیچ حرفی از آنها بر زبان نه می آورد؛ و شاگردان شیخ هرگاه با تعجب می پرسیدند؛ مگر چه شده است که استاد از فرقه اسماعیلیه انتقاد نه میکند؟ فخر رازی در حالیکه دستی بر محاسن و بروتهایش میکشید و آبرو ها را قدری پائین تر می آورد لحن صدایش را ملتمسانه تغییر میداد و می گفت: اخیر آنها برهان قاطع دارند! من این برهان قاطع و دلیل محکم شان را ندیده بودم که اخیراً متوجه شده ام... (۱)

اکنون از مدت مدیدی است که گویا این شیوه مرضیه و این برهان قاطع و این دلیل محکم بر سر "دموکراسی" و "انتخابات" در افغانستان نیز رانیچ شده است. هر روز خبری از حمله این ستاد بر آن ستاد و این گروه بر آن گروه، از دشنام دادن و شائعه پره گندن این دسته بر آن دسته، از هجوم این جمع به آن جمع و هر روز حادثه ای از این میتینگ بر آن میتینگ، از سخنرانی های آتشین تا گردهم آئی های مصلحتی شنیده میشود. بگذارید ببینیم راستی ما را چه شده است؟ و این همه برهان «قاطع!!» از کجا آمده است؟ قبل از هر چیز نه باید فراموش کرد که تا دیروز در بستر دموکراسی و بازار آزاد بر وزن "آزار" اقتصادی که بیش از یک دهه بر جامعه فقیر و جنگزده ما

سایه انداخته است شعار های از استقلال! ، آزادی ! و منم رستم زمان !! سر میدادیم و فضائل ، فیوضات و کرامات این اعجوبه بینظیر قرن معاصر را مانند دانه های تسبیح سرازیر می ساختیم و هیچگاه متوجه نه بودیم و نه شدیم که در اوجی از چنین ستایشهای مصنوعی و اغراق آمیز نهال استبداد تاریخی که با به راه انداختن حرکت های همه گیر ملی و بالاتر از هر نوع تعصبات قومی - مذهبی و لسانی خشکیده بود ، دوباره جان میگیرد . اتفاقاً بقایای چنین روحیه ای شعاری نه تنها در میان ما و افراد و گروه های مافیایی وابسته به رژیم مافیائی به ملاحظه میرسد بلکه حتی در میان اقشار و گروه های شبه روشنفکر و دموکرات لائیک نیز با وفور به نظر می خورند . خوب طبیعی است که وقتی چنین وضعیتی سالها و حتی قرن ها بتواند راه را بر ظهور استعداد های آزاد و رشد فرهنگ تکاملی انسان ببندد هر چند چهار چوبه اش در هم ریخته باشد اما رسوبات و نتایج اش باقی است . این است که میبینیم برخی از همین روشنفکران مافیائی جامعه شیوه های را که برای تغییر استبداد نرم افزاری حاکم بر سرنوشت جامعه بکار گرفته اند هنوز در رفتار شان حضور دارند . ما برای مبارزه با استعمار سرخ و سرنگونی حاکمیت ها و رژیم های متجاوز مذهبی نه میتوانستیم به جز به شیوه های که در عرف دیپلماتیک خشونت تلقی میگردد نه میتوانستیم روبرو شد ، روبرو هم شدیم و آن رژیم های بیگانه پرست شبه مذهبی و حتی **سکولار شبه مارکسیستی** سرنگون هم شدند ، اما آثار ی از شیوه ها و تاکتیک های سرنگونی در وجود ما باقی ماند و بسیاری از ما هنوز چنین می پنداریم که افکار ، شیوه ها ، و اندیشه های سرنگونی در برابر رژیم و مخالفین فعلی را نیز با همان چماق ایدئولوژیک و تیوریزه شده میتوان در هم کوفت . بسیاری از ما خوش هستیم و برخورد می بالیم که در برخورد با مسائل پیرامون خود بی تفاوت نیستیم و از سبک و شیوه های مجربی استفاده میکنیم که قبلاً آموخته ایم و به نتایج مطلوبی نیز رسیده بودیم . !!! این جاست که با استفاده از فرصت به موضعگیری ها و خط مشی های که گاهی از هواداران سراپاقرص رژیم مافیائی حتی آنگاهی که از میدان شطرنج انتخابات شعار های ضدونقیض و پارادوکسیالی را سر میدهند اشاره ای بنمائیم .

## تعیین جایگاه اپوزسیون فرمائیشی !!

مسخره ترین و درعین حال بی خرد ترین مطلبی که تا اکنون شنیده ایم و دیده ایم فقره چهارم ضمیمه اعلامیه مشترک میان دسته های انتخاباتی ریاً " ست " جمهوری افغانستان است که مغائر با هر نوع معیار های حقوقی و واقعیت های تاریخی ای نه تنها جامعه افغان بلکه در همه جوامع و کشورهای استعمارزده و عقب مانده در باره اپوزسیون میباشد که مطابق به احکام مندرج این ضمیمه یعنی **« رئیس جمهور مقام رهبر اپوزسیون را ایجاد میکند. و کاندید دومی انتخابات شخص مورد نظرش را انتخاب مینماید تا این مقام را اشغال نماید.»**

نخست ببینیم که معنای اپوزسیون در جامعه شناسی سیاسی چیست ؟ و به چه نیروهای میتوان اپوزسیون را اطلاق کرد ؟

اپوزسیون در لغت به معنای ضدیت ، مخالفت و مقابله است و در مفهوم وسیع به معنای کوشش و تلاش احزاب ، اتحادیه ها و گروه ها برای دست یابی و رسیدن به اهدافی در جهت مخالف هدف های دارندگان قدرت سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی است . با وضاحت کامل به ملاحظه میرسد که اپوزسیون Opposition یا در اصطلاح سیاست به مجموعه افراد و نهادهای مخالف اصل نظام سیاسی گفته می شود که در صدد بر اندازی نظام حاکم میباشند . این بدان معنی است که رهبر اپوزسیون

**Opposition** مانند حاکمان با بخشی از جامعه ارتباط دارد و نه میتوان برای کنترل و نظارت این بخشی از جامعه که در اتحادیه ها و گروه های دیگراندیش سیاسی در مقطعی از تاریخ و جغرافیای از زمین گردهم آمده اند و با منطق بُران سیاسی و عقیدتی خویش عملکرد های حاکمان را به نقد میکشند لایحه و فرمان صادر کرد .

بله ، بسیاری از روشنفکران ، رسانه های گروهی و دسته های سیاسی که دارای اندیشه های عمیقاً انسانی میباشند بدون هرگونه پشتوانه معنوی و اقتصادی حلقات حاکم برای ادای مسؤلیت های فکری و تیوریک خویش که در برابر جامعه و نسل های آئنده یک جامعه احساس می نمایند تبلیغ و ترویج میکنند ....

**ادامه دارد**

(۱)

با مثال " برهان قاطع " به نقش حضرت جان کری **John Kerry** وزیر خارجه ایالات متحده امریکا اشاره شده است